

میراث یا لیگاسی حامد کرزی بعد از تخت و تاج کابل، نه افغانستان

در سلسله گفت و شنود ها و به اصطلاح انگریزی دیبیت تلویزونی تلویزون (۱) با عده ای از اعضای فعلی و قبلی کابینه حامد کرزی، و عده ای از خبرنگاران و جوانان در رابطه به میراث یا لیگاسی حامد کرزی که به سه موضوع مهم:

- ۱- تأمین دیموکراسی
- ۲- فساد اداری و قومگرایی
- ۳- ازدیاد نامنی و نفوذ طالبان

اختصاص داده شده بود، بحث و اظهار نظرها صورت گرفت که اکثریت مردم افغانستان به موضوع دومی یعنی **فساد اداری و قومگرایی** عطف توجه نمودند، که واقعاً قابل تشویش و تأسف است.

اما با در نظر داشت اوضاع عمومی کشور، طرز اداره و رهبری مملکت آنها توسط یک شرکت سهامی که در رأس آن فردی چون حامد کرزی قرار دارد، مسئله **تأمین دیموکراسی** که متأسفانه افغانستان هیچگاه آماده آن نبود، و بلاخص بعد از سه دهه جنگ و از هم گسیختگی سیستم اداری، نظامی و سیاسی، کشور ما جوابگوی این چنین رژیم نبوده و در ۵۰ سال آینده هم نخواهد بود، اینکه کرزی و اطرافیانش حرف از دیموکراسی میزنند، یک دروغ محض و یک تظاهر آشکار مقابل جامعه جهانیست تا کمک های بیشتر شانرا بگیرند و به بانکهای خارج انتقال دهند، زیرا حکومت و دولت فعلی تحت رهبری حامد کرزی اصلاً به دیموکراسی باور ندارند پس چطور امکان دارد بآن معتقد باشند) و همچنان موضوع سومی در رابطه به میراث حامد کرزی **ناامنیهای روز افزون و نفوذ گسترده طالبان** در قراء و قصبات و حتی مراکز ولایات هم از موضوعاتی است که نمایندگی از ضعف دولت کرزی می نماید که نباید بدست کم گرفته شود.

فرامین، دستاویز و طرز العمل های غیر قابل عملی و غیر قابل تطبیق حامد کرزی منحصراً رهبر یک کشور بالای مادونان و زیردستانش سوالات زیادی را در اذهان مردم ایجاد میکند که چرا کرزی در تصمیم خود قاطع نیست و از تطبیق اوامر خود واریسی نمی کند؟ چرا جناب کرزی خلاف میل ۹۹.۹۹۹۹٪ مردم خود عمل می کند و به خواست یک اقلیت لیبیک می گوید که حتی به فیصدی هم نمی آیند؟ جای تأسف است که چطور یک انسان آنها منحصراً رهبر یک کشور تا این حد با حيله، تذبذب و دروغ پراگندگی به حق مردم خود جفا می کند، و هر روز به چشمان شان خاک می پاشد، و قلب میلیون ها صغیر، یتیم و بیوه را می شکند، و با سیاست های خام و طفلانه، ضد و نقیض و نامشخص در سطح کشور، منطقه و جهان از حیثیت و احترام خود می کاهد، نه تنها از حیثیت و احترام خود بلکه اتوریته و منزلت کشور ما افغانستان را هم خدشه دار ساخته، که در نتیجه توجه و دلچسپی جامعه جهانی در رابطه به عمران و آبادی افغانستان روز تا روز کم شده می رود.

حامد کرزی منحصراً یک رئیس جمهور ناکام، بزدل، مصلحت جو و معامله گر با تخطی های متواتر و بیشمار از مواد قانون اساسی کشور به منظور خوش نگهداشتن و رضایت خاطر یکعده دزد و غارتگر که در کنارش قرار دارند و از یک چوکی به چوکی دیگر این بی ننگان تاریخ پس و پیش می شوند و بدون در نظر داشت لیاقت، تحصیل و سوابق، به پست های بلند نصب، و با زیر پا نمودن قوانین کشور، در این دو دوره ریاست جمهوری (که باید از دوره های طلایی در تاریخ معاصر افغانستان محسوب میشد) نه تنها کار مثمیری را انجام نداد، برعکس صفحه ایرا در تاریخ کشور برای خود کشود و اختصاص داد که کمتر رهبری را در سطح منطقه و جهان سراغ داریم که بسیار آگاهانه به پیکر خود ضربه وارد کند و موقف خود را ضربه صفر کند.

از میراث های مهم دیگر جناب کرزی همانا زیر پا گذاشتن ارزشهای انسانی، اسلامی، افغانی و دیموکراسی نام نهاد در افغانستان است که بشکل بسیار آگاهانه و عمدی خلاف خواسته های مردم افغانستان از طرف شخص کرزی و تیم مفسدش در این ۱۱ سال بانواع مختلف و به کرات و مرات پایمال و مورد تخطی قرار گرفته که مثال عمده آن رهائی هزاران قاتل، تروریست و آدمکش افغانی، ایرانی، پاکستانی، عرب و چینی از زندان ها می باشد که مورد عفو و بخشش قرار گرفتند و می گیرند و با جیب های پُر، چین های کرزائی و خاطر آرام و آسوده دوباره به

صفوف همان تروریست ها تسلیم داده می شوند و جزئی ترین اعتنایی بحال ملتی که عزیزان شان توسط این قاتلان سر بریده می شود، مکاتب شان آتش زده می شود، دختران پاکدامن شان مورد خشونت و تجاوزات جنسی قرار می گیرند و در محضر هزاران نفر این دختران و زنان سنگسار و اعدام صحرانی می شوند، نشده و نمی شود. یکی دیگر از میراث های حامد کرزی طرح و تشکیلات قومی، مذهبی، زبانی و سمتی می باشد که جناب شان در چند مصاحبه خود بآن اشاره نمودند که گویا با این عمل مردم افغانستان را بدور یک محور جمع نموده، اما از نگاه صاحب نظران و اهل خبره جناب شان یگانه رئیس جمهور در تاریخ افغانستان خواهد بود که با این ابتکار بزدلانه مبادرت ورزیده و پست های دولتی را به مشوره، میل و رغبت سران تنظیم ها و جنگسالاران بدون در نظر داشت هیچ نوع لیاقت، استعداد، تحصیل، خلاقیت، اهلیت، تجربه و تخصص، سوابق کاری، سوابق شخصی، به سرفلفی داده اند و جناب شان از این گاو های شیری به نحوی استفاده و سود می برند تا برای همیشه همین تیم مفسد و اولاده شان در مسند قدرت تکیه زده باشند، اما جناب عالی بیخبر و غافل از این که با این عمل بزرگترین خیانت را در تاریخ افغانستان مرتکب شده اند، زیرا باین نوع تشکیلات اداری و سیاسی که جایگزین لیاقت، استعداد، تحصیل، خلاقیت، اهلیت، تجربه و تخصص، سوابق کاری، افراد یک کشور گردد، بجز کشتن استعداد های اصیل یک ملت چیزی دیگری بوده نمی تواند.

تشکیلات اداری و سیاسی شرکت سهامی کرزی را میتوان بدون در نظر داشت هیچ نوع تبعیض، لیاقت و شایستگی چنین ترسیم کرد:

(ماشالله) رئیس جمهور پشتون - (واه واه) معاون اول تاجک - (بارک الله) معاون دوم هزاره

تشکیلات وزارت خانه ها
 وزیر هزاره - معین اول تاجک - معین دوم پشتون - بقیه کارمندان هزاره - گل گل پشتون و تاجک
 وزیر پشتون - معین اول هزاره - معین دوم ازبک - بقیه کارمندان پشتون - گل گل تاجک و ترکمن
 وزیر تاجک - معین اول پشتون - معین دوم هزاره - بقیه کارمندان تاجک - گل گل پشتون و ازبک
 وزیر ترکمن - معین اول هزاره - معین دوم تاجک - بقیه کارمندان ترکمن - گل گل ازبک و پشتون
 وزیر ازبک - معین اول تاجک - معین دوم پشتون - بقیه کارمندان ازبک - گل گل هزاره و تاجک

از تشکیلات تصویری فوق چنین استنباط می شود که اقوام دیگر افغانستان چون پشه ئی، بلوچ، نورستانی، ایماق و غیره با تأسف حائض این استعداد های خاص که در خور کابینه آقای کرزی باشد، نبودند تا از این پست های عالی مستفید و بدور محور کرزی منسجم می شدند.

از میراث های دیگر حامد کرزی بطور بسیار فشرده میتوان از اینها نام برد:

مناسبات بسیار بزدلانه و چاپلوسانه با دو کشور همسایه «ایران» و «پاکستان». تهاجمات سیاسی، نظامی و فرهنگی این دو همسایه حریص و شداد در امور کشور ما افغانستان. گرفتن خریطه های مملو از پول از کشور آخندی ایران و اعتراف بیشرمانه کرزی به این عمل زشت. دلیل و حقیر ساختن مردم دلیر افغانستان در انظار همسایه ها و جهانیان. عفو و رهائی آدمکشان و تروریستان از زندان ها و برادر خواندن قاتلان مردم افغانستان. تفویض القاب و رتب قهرمانی و مارشالی به اشخاصی که مورد تأیید ۹۹.۹% مردم افغانستان نیستند. تفویض رتب ستر جنرالی و دگر جنرالی به افراد و اشخاص غیر مسلکی و فاقد تحصیلات حربی و نظامی. انتلافات نامشروع و نامقدس با جنگسالاران و قاتلین مردم افغانستان در مقاطع مختلف زمانی بمنظور حفظ قدرت و رسیدن به مقام ریاست جمهوری شهر کابل. بیکاری و مهاجرت های مجبوری جوانان ناشی از فقر و بیکاری به کشورهای مختلف جهان و کشته شدن این جوانان به گونه های مختلف. معتاد شدن اضافه از یک ملیون مردم افغانستان به مواد مخدر از اثر بیکاری و عدم مصروفیت های سالم. خودکامه گی های والی ها، قوماندان ها و غیره اشخاص مسلح غیر مسئول در ولایات، که با استفاده از قدرت زندگی مردم بیدفاع را به جهنم میدل ساخته اند. اعمار بلند منزل های خود سرانه از طرف زورمندان. چور و چپاول دارائی های عامه توسط زورمندان و صاحبان اسلحه. بی اعتمادی کلی اراکین دولتی بالای یکدیگر.

با اظهار تأسف باید عرض کنم که رئیس جمهور کرزی در مدت تقریباً ۱۲ سال با اینهمه توجه و پول های گزاف جامعه جهانی نتوانست آرزو های دیرینه مردم افغانستان را برآورده بسازد و یک نام نیک و یک ریکارد کاری خوب از خود بگذارد، اما با تأیید و پشتیبانی از مشوره ها و نظریات نیک هموطنان به جناب کرزی، من هم می خواهم به جناب شان منحيث یک فرزند افغان پیشنهاد کنم که هنوز هم یک و نیم سال دیگر پیشرو دارد، لطفاً در تصامیم خود قاطع باشد، صدای مردم افغانستان را بشنود، و به اتکاء به ضرب المثل معروف ما "ماهی را هر وقت از آب بگیرد تازه است" جناب عالی هنوز هم وقت دارد، تا از کارنامه های گذشته خود اظهار ندامت و نزد خداوند تعالی توبه کند تا از گناه هایش در حق ملت افغانستان درگذرد.

در اخیر آقای کرزی یک مثال روشن برایتان می آورم و آن اینکه از رئیس جمهور جدید مصر محمد مورسی یاد بگیرید که چگونه در این مدت کوتاه ریاست جمهوری اش آقای حسین طنطاوی فیلد مارشال مملکت را که از سال ۱۹۵۶ یعنی به مدت ۵۶ سال قدرت نظامی و اداری کشور مصر را در قبضه داشت برطرف و خانه نشین ساخت، و همچنان آقای محمد مورسی در کنفرانس کشورهای غیر منسلک، از تریبیون ایران آخندی به بسیار جرئت از قیام های مردمی ملت سوریه دفاع، و کشتار بیرحمانه بشرالاسد را تقبیح نمود که با این عملش دل رژیم آخندی ایران را سیاه ساخت.

به امید آن روزیکه کرزی هم از خواب غفلت بیدار وبه این پیشنهادات لیبیک بگوید. آمین یا رب العالمین

پایان